

دوره های پارینه سنگی میانی و جدید در منطقه توروس و زاگرس

نویسنده: آنژ لایمنزونی - دروش
مترجم: فریدون بگلری

پارینه سنگی میانی

منطقه توروس

- چاکماک تپه (Minzoni-Deroche 1988)^(۱): این مکان از چند تپه کوچک تشکیل شده که در مجاورت دشت بُز و در ارتفاع ۱۰۰۰ متری در ۱۵ کیلومتری شمال شرقی اولوکشلا (Ulakisla) در مناطق منتهی به دشت کیلیکیه قرار دارد. چاکماک تپه معادل ترکی «تپه چخماق» است. رگه های طبیعی چخماق در این منطقه به علت فرسایش شدید نمایان شده است و مردم منطقه تا همین اواخر برای ساخت برخی وسایل (Tribulum) از این چخماقها استفاده می کردند. در این مکان مصنوعات سنگی باهم مخلوط شده اند و تنها از طریق گردآوری منظم (systematic collection) امکان جدا کردن قطعات جدید از مصنوعات دوران پارینه سنگی فراهم شد. ظاهراً ابزار سازان دوران پارینه سنگی فقط چخماقهای بدون ناخالصی را برای ساخت ابزار انتخاب می کردند. در مجموعه ای متشکل از ۹۶ قطعه که به دوران پارینه سنگی منصوب اند، نمونه های زیر قابل مشاهده است: سنگ مادرهای دیسکی شکل مصرف شده (exhausted discoidal core)، تراشه های کوتاه و ضخیم و ابزارهایی که لبه هایشان به طور پیوسته روتوش (retouch) شده است (تصویر ۲۱:۱).

- کاراین (Minzoni - Deroche and yalcinkaya 1985)^(۲): این غار در ۲۷ کیلومتری شمال غربی آنتالیا (Antalya)، در ارتفاع ۴۴۰ متری واقع شده است. در جریان حفاریهای کوکتن (Kokten) طی اوایل دهه ۶۰ میلادی، مجموعه های مهمی از این غار به دست آمد. متأسفانه اطلاعات چندانی درباره لایه نگاری این مکان منتشر نشده است (اما، نگاه کنید به yalcinkayetal 1993).

برخلاف سنگ چخماقهای چاکماک تپه که به صورت لایه ای یافت می شوند، متابع سنگ مورد استفاده ساکنان کاراین شامل قلهه سنگهای چخماقی است که از بستر جویبارها مجاور گردآوری شده اند. این قلهه سنگها کوچک و به رنگهای مختلف مثل سبز، سیاه و قرمز تیره اند. تعداد سنگ مادرهای دیسکی مصرف شده بسیار فراوان است. تعداد کمی سنگ مادر لوالوا (Levallois Core) نیز یافت شد. ابزارها از لحاظ

مشکل اصلی در مطالعه ی مجموعه های پارینه سنگی مناطق زاگرس و توروس، کمبود اطلاعات، ناهماهنگی در آنها و همچنین ناهماهنگی در شیوه های تجزیه و تحلیل مصنوعات سنگی است. بدین ترتیب، گروهی از باستان شناسان به ویژگیهایی در برخی مجموعه ها اشاره کرده اند که دیگران در سایر مجموعه ها به آنها توجهی نداشته اند. در نتیجه ویژگیهای مشترک کمی وجود دارد که به منظور مقایسه بتوان بر آنها تکیه کرد. از این رو، مباحثی که در این مقاله به آنها می پردازیم، نتایج قطعی نیستند و فرضیاتی برای پژوهش فراترند.

می توان گفت که برای دوره های پارینه سنگی میانی و جدید کوههای توروس تقریباً هیچ گونه سالیابی زمینی لایه نگاری (geostatigraphical)، شیمیایی یا فیزیکی تهیه نشده است و گاهنگاریها عمدتاً بر اساس ویژگیهای فنی - گونه شناسی مصنوعات سنگی است.

بنابراین ما اذعان داریم که مجموعه های مورد مقایسه، با اینکه در چارچوب کلی پارینه سنگی میانی یا جدید جای می گیرند، ممکن است از لحاظ زمانی با یکدیگر تفاوت فراوان داشته باشند. در این مقاله از اطلاعات حاصل از مطالعه مجموعه مصنوعات سنگی بدست آمده از مکانهای پارینه سنگی منطقه توروس و زاگرس استفاده شده است. مجموعه های مورد مطالعه منطقه توروس مربوط به مکانهای پارینه سنگی میانی کجاپینار (Kocapinar)، چاکماک تپه (Cakmaktepe)، کاراین (Karain) و مکانهای پارینه سنگی جدید «کزیل این» (Kizilin)، اُکوزانی (Okuzini) و کاراین است. مجموعه های پارینه سنگی میانی زاگرس مربوط به کنجی، گرازچنه، بیستون و شنیدار و مجموعه های پارینه سنگی جدید مربوط به یافته و پاسنگر است. برای مقایسه به برخی مکانهای واقع در سواحل مدیترانه ای منطقه انطاکیه نظیر مرد یونلی (Merdivenli)، کانال (Kanal)، تیکالی (Tikali) و اچاگزیلی (ucagizli) نیز اشاره شده است. با این حال باید اشاره کنم که این مجموعه ها از لحاظ ویژگیهایشان با مجموعه های زاگرس و توروس تفاوت دارند و بیشتر به مجموعه های بدست آمده از سواحل لوانت شبیه اند.

شامل ۲۷۵ تراشه و تیغه است.

بین نهشته‌های دوره پارینه سنگی میانی و پارینه سنگی جدید این غار گستگی به چشم نمی‌خورد (نگاه کنید به: Yalcinkaya et al. 1993). سنگ مادرها، یک سویه و دو سویه‌اند. در ساخت ابزارها معمولاً از ریز تیغه، تیغه و تراشه استفاده شده است. سکوی ضربه ساده (plain platform) و کوچک (punctiform) بسیار متداول است. متداولترین گونه‌ها شامل خراشنده انتهایی (End scraper)، خراشنده جانبی، تیغه کولدار (backed blade) و کنگره‌دار است. در این مجموعه اسکنه به چشم نمی‌خورد (تصویر ۱۵ - ۱۳: ۲).

کزیل این (Kayan et al. 1987): این غار در جنوب کاراین، در ارتفاع ۴۱۰ متری واقع شده است. کوکتن چند گمانه در این مکان حفر کرده که نتایج آن منتشر نشده است. مجموعه مورد بحث از کف غار و از میان خاکهای حاصل از حفاریات پیشین گردآوری شده است. مجموعه گردآوری شده شامل ۸۷۱ قطعه است. تیغه و تراشه در این مجموعه فراوان است (۳۰۹ عدد): گونه‌های معمول ابزار شامل کنگره‌دار، تیغه با روتوش سبک و خراشنده انتهایی است. یک تیغه "lame a crete" و شش تیغه "lames outrepassées" نیز مشاهده شد.

اُکوزایی (Kayan et al. 1987): این غار در شمال کاراین و در ارتفاع ۳۵۰ متری قرار دارد. کوکتن در این مکان نیز گمانه زنی کرده است. مجموعه به دست آمده شامل ۷۱۲ نمونه است (۳۴۷ تراشه و تیغه)، شمار ریز تیغه (bladelet) و سنگ مادر ریز تیغه نسبت به سایر مکانها بسیار بیشتر است. روتوش خشن (abrupt retouch) فراوان است، سایر گونه‌های ابزار، شامل کنگره‌دار و دنداندار است. سکوی ضربه‌ها اغلب شکسته‌اند و در مواردی که سالم‌اند اغلب چندبر هستند.

منطقه زاگرس

پاسنگر (Minzoni - Deroche 1987 b): این غار در نزدیکی کُنجی و گرآرجه در خرم‌آباد واقع شده است. تعداد ۱۲۸۸ قطعه مصنوعات سنگی از این مکان به دست آمده است. شمار زیادی سنگ مادر و قطعات مربوط به آن در مجموعه وجود دارد که بیشتر از ۱۰۰۰ قطعه است. از این قطعات تعداد ۳۴۴ نمونه را نگارنده مطالعه کرده است. گونه غالب سنگ مادر یک سویه است، اما تعدادی سنگ مادر دو سویه نیز مشاهده می‌شوند. اختلاف فراوانی بین نمونه‌های روتوش شده و روتوش نشده دیده می‌شود. احتمالاً بخش بزرگی از این مجموعه در ایران باقی مانده است. بیشترین انواع ابزار، خراشنده انتهایی، اسکنه (burin)، کنگره‌دار و خراشنده جانبی است. قطعات قابل تبدیل به ابزار (blank) شامل تیغه، تراشه و ریز تیغه است (۹۴۴ عدد).

یافته (Minzoni - Deroche 1987 b): مجموعه‌ی یافته شامل ۵۲۷۷ نمونه مصنوعات سنگی است. صنعت سنگ این غار غنی‌ترین و متنوع‌ترین صنعت در منطقه خرم‌آباد است. سنگ مادرهای موجود از نوع یک سویه و دو سویه‌اند. برای ساخت ابزارهایی چون خراشنده انتهایی، اسکنه، کنگره‌دار، تیغه کولدار و ریز تیغه (اغلب با دولبه جانبی پخ شده) و قطعات با روتوش «معکوس» (inverse retouch) از تیغه، ریز تیغه و تراشه (۴۹۵۰) استفاده شده است.

سواحل مدیترانه

کاتال (Bostancl 1968): با اینکه نام این مکان در زبان ترکی مغاره است اما در واقع غار نیست بلکه از رسوبات سخت و مختلطی تشکیل شده که در نتیجه فرسایش آبی و جابجایی رسوبات به پایین دامنه به وجود آمده است. مصنوعات به دست آمده بدون توجه به موقعیت لایه نگاری گردآوری شده‌اند. مجموعه مورد مطالعه که شامل ۱۴۶۸ نمونه می‌باشد از تنوع گونه شناختی زیادی برخوردار است. انواع ابزارهای موجود شامل خراشنده انتهایی مدور و کوچک، خراشنده انتهایی ساخته شده از

گونه‌شناسی محدودند. بیشترین انواع ابزار شامل خراشنده جانبی (Side scraper)، تراشه با روتوش پیوسته (Continuous retouched flake)، تعدادی پونت موستری (Mousterian point) و ابزار «حلزونی شکل» (limace) است (تصویر ۶ - ۱: ۱).

کجاپینار (Minzoni - Deroche 1987 a)^(۳): این مکان در ارتفاع ۱۲۵۰ متری از سطح دریا، در حاشیه دشت المالی (Elmali) در استان آنتالیا و در حدود ۳۵ کیلومتری غرب غار کاراین در مسیر سیستم بی داغ (Bey dag system) قرار دارد. منابع سنگ مورد استفاده در این مکان شامل قطعات بزرگ چخماق لایه لایه است که در سازندهای زمین شناختی اطراف وجود دارد. هر چند منابع سنگ فراوان است اما سنگ مادرها مکرراً تراشیده شده‌اند تا مرحله‌ای که دیگر تراشه برداری بیشتر مقدور نبوده است. ویژگیهای مجموعه را می‌توان به این ترتیب برشمرد:

تعداد فراوانی سنگ مادر دیسکی مصرف شده، تعداد کمی سنگ مادر تراشه لوالوا و تعداد بسیار زیاد تراشه ضخیم. همچنین ابزارهای معمول شامل دنداندار (denticulate)، کنگره‌دار (notche) و خراشنده است (تصویر ۲۰ - ۱۶: ۱). برخی از ویژگیهای این مصنوعات شبیه مجموعه غار کاراین است. می‌توان احتمال داد که گروههای کوچری از غار کاراین به صورت فصلی استفاده می‌کردند و مدتی از سال را نیز در مکانهای باز از قبیل کجاپینار در دشتهای اطراف المالی مستقر می‌شدند. شمار اندک قلوه سنگهای روتوش شده‌ای که از کجاپینار به دست آمده مانند قلوه سنگهای ساحلی، مسطح و گرد شده است. این قضیه احتمالاً نشانه آن است که کجاپینار استقرار گاهی موقت بوده و ساکنان آن حتی تا سواحل دریای مدیترانه نیز پیش می‌رفتند.

منطقه زاگرس

کُنجی - (Hole and Flannery 1967; Minzoni - Deroche 1987b; skinner 1965)^(۴):

این غار در حاشیه دشت خرم‌آباد، در ارتفاع ۱۱۷۰ متری قرار دارد. منشاء سنگ رادیولاریتی (radiolarite) که در ساخت ابزارها بکار رفته مشخص نیست. اما به نظر می‌رسد ابزارها از قلوه سنگهای کوچکی ساخته شده‌اند که احتمالاً از حاشیه رودخانه‌ها گردآوری شده‌اند در مجموعه به دست آمده از کُنجی تعداد سنگ مادرها زیاد نیست. تراشه اکثریت دارد و آثار تراشه برداری دو سویه (bipolar Flint - knapping) مشاهده نشده است. شمار ابزارهایی که به صورت پیوسته روتوش شده، بیشتر از بقیه است. ابزارهایی مانند پونت موستری، خراشنده جانبی و سوراخ‌کننده (borer) نیز به چشم می‌خورد (تصویر ۱۵ - ۱۴: ۱).

گرآرجه (Minzoni - Deroche 1987b)^(۵): این غار^(۶) در نزدیکی کُنجی و در محیط مشابه‌ای قرار دارد. صنعت سنگ آن نیز مشابه کُنجی است و شامل ابزارهای متعددی با روتوش پیوسته، تعدادی پونت موستری، خراشنده جانبی و سوراخ‌کننده است. اما گونه‌های موجود در صنایع گرآرجه متنوع‌تر از مجموعه کُنجی است و تکنیک لوالوا در آن به طور وسیعی بکار رفته که در سنگ مادرها و تراشه‌ها قابل مشاهده است. نسبت تیغه‌ها (blade) در مقایسه با کُنجی بالاتر است و تراشه‌ها نیز کشیده‌تر و نازک‌ترند (تصویر ۱۳: ۱).

پارینه سنگی جدید

همانطور که درباره مجموعه‌های پارینه سنگی میانی اشاره کردیم، اطلاعات ما از مجموعه‌های پارینه سنگی جدید نیز ناهماهنگ است. مجموعه‌های پارینه سنگی جدید به این ترتیب قابل جمع بندی‌اند:

منطقه توروس

کاراین: مجموعه پارینه سنگی جدید به دست آمده از این مکان

دریایی عصر پلیوسین (Pliocene marine sediments) در شرق این مکانها یافت می‌شوند. خود غارها نیز در سازندهای آهکی ائوسین (calcareous Eocene formation) تشکیل شده‌اند.

نتیجه گیری

چنین به نظر می‌رسد که اطلاعات موجود درباره دوره پارینه سنگی جدید تا هماهنگ‌تر از دوره قبلی آن باشد و برخلاف پارینه سنگی میانه به دشواری می‌توان وجود دو گروه مجزا را یکی در منطقه زاگرس - توروس و دیگری در سواحل لوانت شناسایی کرد. طی این دوره تولید تیغه و ریز تیغه در هر دو منطقه توروس - زاگرس و مناطق ساحلی لوانت متداول می‌شود. در هر دو منطقه انواع جدیدتر و متنوع‌تری ظاهر می‌شود. تفاوت عمده بین این دو منطقه کوهستانی و ساحلی، نسبت طول و عرض و نسبت عرض به ضخامت در تراشه و تیغه است. این نسبتها در مجموعه‌های مربوط به سواحل مدیترانه در مقایسه با مجموعه‌های توروس یا زاگرس بلندتر و نازکتر است. در این بحث سه گروه مختلف برای پارینه سنگی میانی و پارینه سنگی جدید در نظر گرفته شده است. این گروه بندی‌ها براساس شباهتها و تفاوتها بین مکانهای توروس (بویژه در ارتباط با مکانهای واقع در سواحل مدیترانه)، شباهتها و تفاوتها بین مکانهای زاگرس، و در نهایت، براساس مشخصه‌های مشترک در هر دو مجموعه توروس و زاگرس است. کلیه مکانهای پارینه سنگی میانی توروس در ارتفاعی بین ۴۴۰ تا ۱۲۵۰، در مناطق کوهپایه‌ای واقع‌اند که دارای فلاتهای کوچک و دره‌های کم عرض است. در اطراف این مکانها چشمه‌های متعددی وجود دارد که از سیستمهای قوی کارستی (Karstic system) این مناطق سرچشمه گرفته‌اند.

آثار استقراری هم در غارها و هم در مکانهای بازیافت شده‌اند و معمولاً به منابع سنگ که تماماً از سنگ چخماق و رادیولاریت تشکیل شده‌اند، بسیار نزدیک‌اند. به نظر می‌رسد که ساخت و تولید مصنوعات

تیغه، خراشنده جانبی، اسکنه ساخته شده از تیغه، سوراخ کننده و دیگر انواع ابزار است.

اطلاعات کمی درباره سنگ مادرها وجود دارد، اما آثار برداشتهای قبلی بر روی تیغه‌ها نشان دهنده تراش یک سویه و دو سویه است (تصویر ۱۲-۸).

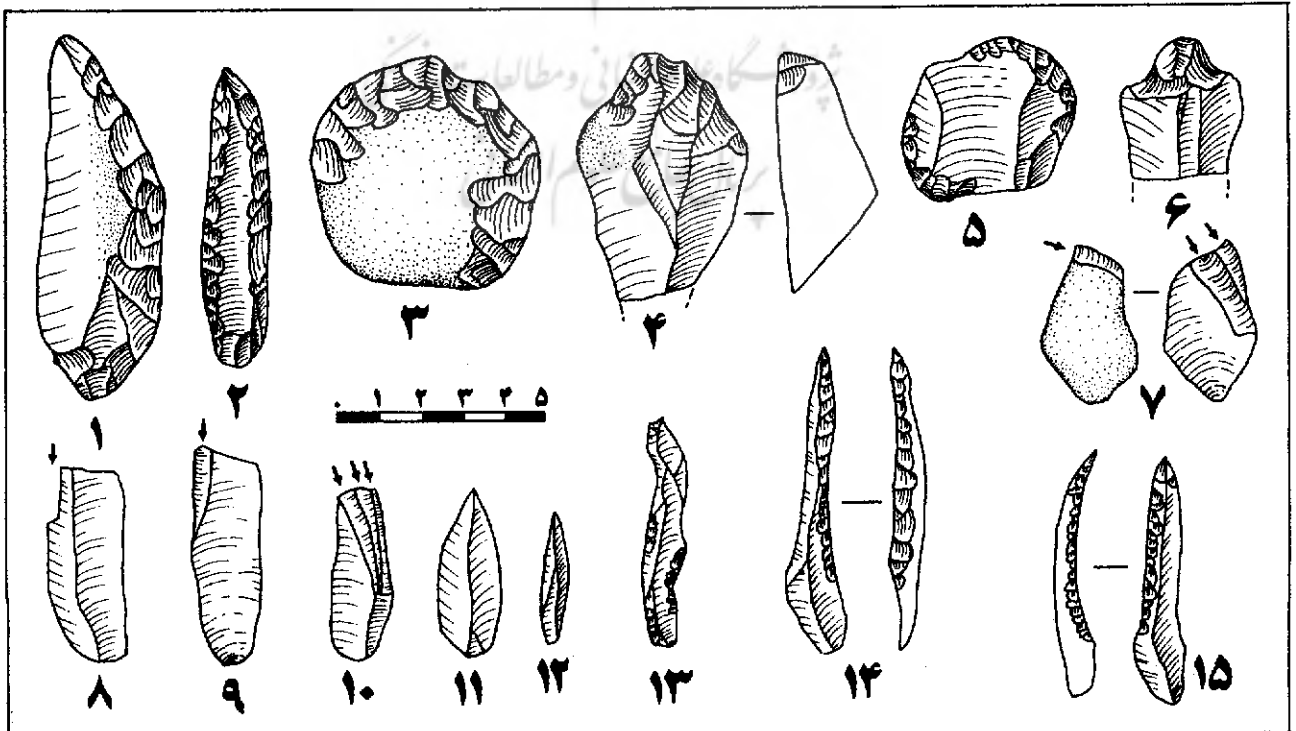
- مردیونلی (Bostanci 1968): در ابتدا این مکان «نخستین غار» نامگذاری شد اما بعداً نام آن به مردیونلی تغییر کرد.

لایه III این مکان به پارینه سنگی جدید نسبت داده شده و لایه‌های IV, V مربوط به پارینه سنگی میانی است. لایه نگاری نهشته‌های این غار تا حدودی مورد تردید است. زیرا تعدادی بلوک سنگی مربوط به سکونت گاههای رومی سلوکیه بر سنگ بستر غار یافت شد. ویژگیهای فنی - گونه شناختی مجموعه پارینه سنگی جدید مردیونلی (۶۸ عدد) شبیه مجموعه پارینه سنگی جدید کانال است.

- اچاگزلی (Minzoni - Deroche 1992): این غار اخیراً کشف شده و مجموعه مورد بررسی از رسوبات سفت شده کف غار گردآوری شده که لایه‌های دست نخورده زیرین را پوشانده است. مجموعه‌ی بدست آمده که ۱۶۶۷ عدد است، شباهت زیادی به گونه‌های (facies) پارینه سنگی جدید منطقه لوانت مثل آنتلیاس (Antelias) IV دارد (Copland and Hours 1971).

در این مجموعه تراشه‌های نازک، تیغه و ریز تیغه روتوش شده و بدون روتوش و سنگ مادرهای یک سویه و دو سویه موجود است. مجموعه ابزارها شامل خراشنده انتهایی، سوراخ کننده، اسکنه، تیغه و ریز تیغه کولدار است (تصویر ۷-۱: ۲).

کلیه این غارها در منطقه انطاکیه نزدیک سواحل مدیترانه، بین ارتفاع ۱۸ تا ۲۰ متری از سطح دریا واقع‌اند. در حالی که غارهای منطقه توروس بین ۳۵۰ تا ۴۵۰ متر از سطح دریا قرار دارند. منابع سنگ چخماق در نزدیکی این مکانها واقع شده‌اند و قله سنگهای چخماقی در رسوبات



تصویر ۱- مصنوعات سنگی از محوطه‌های پارینه سنگی جدید توروس و سواحل مدیترانه: ۱-۷

تعدادی تراشه لوالوا و همچنین چند سنگ مادر لوالوا نیز وجود دارد. وجود این نمونه‌ها حاکی از آشنایی سازندگان مصنوعات با تکنیک لوالوا است. گرچه این تکنیک چندان مورد استفاده نبوده است. در مجموع، مصنوعات از لحاظ گونه‌شناسی تنوع چندانی ندارند مطالعه ریز ساییدگی (use - wear analysis) نیز بر روی آنها انجام نشده است.

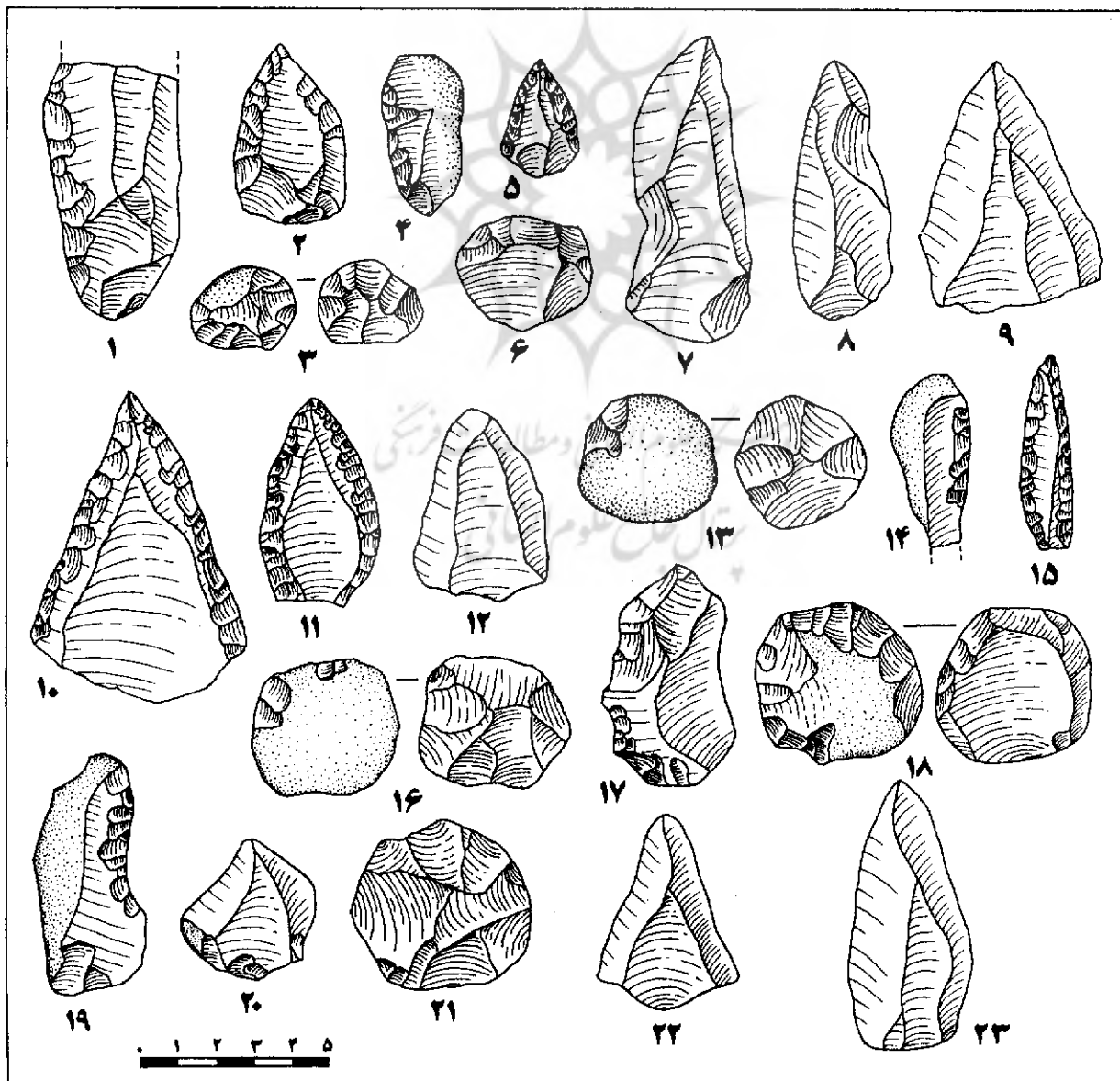
مدارک به‌دست آمده از زاگرس نیز بسیار معدود است. کلیه مجموعه‌ها از غارهایی به‌دست آمده‌اند که بین ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.^(۷) به نظر می‌رسد که وضعیت جغرافیایی این منطقه خصوصاً از لحاظ انواع منابع سنگ چخماق شبیه منطقه توروس است. محوطه‌های با کاربرد خاص در اطراف این غارها یافت نشده است. سنگ مادرهای مصرف شده فراوان و معمول‌ترین نوع قطعات قابل تبدیل به ابزار، تراشه است. تراشه‌ها نسبتاً ضخیم‌اند و ابزارها چندان متنوع نیستند. تکنیک لوالوا در مقیاس محدودی وجود دارد. به نظر می‌رسد که مکانهایی مثل شنیدار (solecki 1995) و بیستون (Dibble 1984 , skinner 1965) در این ویژگیها مشترکند.

به نظر می‌رسد که بین مکانهای زاگرس و توروس شباهتهایی وجود دارد. گرچه تفاوت‌های میان مجموعه‌ای نیز در هر دو منطقه قابل مشاهده است. در واقع اگر ویژگیهای هر مکان را در نظر بگیریم، هر مکانی منحصر به فرد و مقایسه آنها مشکل خواهد بود. از تفاوت‌های محلی که بگذریم، در

سنگی به جای اینکه در کارگاههای مستقل اطراف صورت گیرد، در خود مکانهای استقراری انجام می‌شده است.

منابع سنگ چخماق بر دو گونه‌اند؛ یک گونه به شکل سطوح لایه لایه در بسترهای آهکی و گونه دیگر به شکل قطعات بزرگ چخماق و قلاوه سنگهای کوچک رودخانه‌ای که از بستر نهرها گردآوری می‌شدند. در هر دو مورد از سنگ چخماق استفاده فراوانی شده و سنگ مادرها نیز تا آخرین حد تراشیده شده‌اند. به نظر می‌رسد که وجود سنگ مادرهای مصرف شده و اندازه کوچک قطعات قابل تبدیل به ابزار ارتباطی با اندازه و شکل منابع سنگ ندارد بلکه نتیجه یک شیوه آگاهانه و حساب شده در تراش سنگ است.

در مناطق مختلف توروس که دارای آثار استقراری پارینه سنگی هستند، تاکنون آثار مربوط به دوره پارینه سنگی قدیم یافت نشده است و بنابراین نمی‌توان درباره تطوّر محلی صنایع پارینه سنگی قدیم اظهار نظر کرد (امان که: Yalcinkaya et al 1993). ممکن است صنایع پارینه سنگی میانی که در مناطقی مثل غرب توروس با فلاتهای پشت دروازه کیلیکیه یافت شده، نخستین نشانه‌های حضور انسان در منطقه باشد. همچنان که قبلاً اشاره شد به نظر می‌رسد که سنگ مادرها به طور کامل تراشیده شده‌اند. شمار تراشه بسیار بیشتر از تیغه است و این تراشه‌ها معمولاً کوتاه و ضخیم‌اند و سکوی ضربه ساده‌ای دارند.



تصویر ۲- مصنوعات سنگی از محوطه‌های پارینه‌سنگی میانی زاگرس، توروس و سواحل مدیترانه: ۱-۶: کاراین، ۷-۱۲: تیکالی، ۱۳- گرارجه، ۱۴-۱۵: کنجی، ۱۶-۲۰: کجایینار، ۲۱- چاکماک تپه، ۲۲-۲۳:

● جدول ۱ - مصنوعات مهم در مجموعه‌های پارینه سنگی میانی زاگرس و توروس.

توروس			زاگرس					
۱	۲	۳	۴	۴(الف)	۵	۶	۷	
۱۸	۸	۲۲	۳	۱	۹	۲۷	۲۵	سنگ مادر دیسکی
-	۴	۵	-	-	-	-	۱۳	سنگ مادر لوالوا
-	-	۵	-	-	-	-	-	سنگ مادر موستری
۷۹	۱۰۴۶	۱۸۶	۲۸۴	۲۱۳	۱۱۷	۴۹۹	۴۷۱	تراشه
۵	۶۹۸	-	۳۱	۵۵	۱۵	۷۲	۲۵۳	تیغه

● جدول ۲ - انواع سکوی ضربه در مجموعه‌های پارینه سنگی میانی زاگرس و توروس.

۱	۲	۳	۴	۴(الف)	۵	۶	۷	
۳۸	۳۹	۴۶	۴۸	*	۴۵	*	*	سکوی ضربه ساده
۱۷	۲۲	۱۰	۲۰	۵۱	۲۱	۳۲	۵۲	سکوی ضربه چند بر
۴۵	۲۸	۴۴	۳۲	*	۳۳	*	*	انواع دیگر سکوی ضربه

توضیح جدول‌های ۱ و ۲: ۱ - چاکماک تپه. ۲ - کاراین. ۳ - کجاپینار. ۴ - کنجی (با توجه به مجموعه فرانک هول. ۴(الف) - کنجی (با توجه به مجموعه اسکینر). ۵ - گراجنه. ۶ - شنیدار (Akazawa 1975, Solecki 1955). ۷ - بیستون (براساس مطالعه اسکینر، این اطلاعات جهت انجام مقایسه در مقاله دیبل (۱۹۸۴) موجود نیست). * اطلاعات مذکور در منابع مربوطه موجود نیست.

● جدول ۳ - مجموعه‌های پارینه سنگی میانی زاگرس، توروس و سواحل مدیترانه.

مکان	مجموع تراشه و تیغه	طول/عرض	عرض/اضخامت
- توروس:			
کاراین	۱۷۴۴	۱/۵	۳/۲
کجاپینار	۱۸۶	۱/۲	۳/۰
چاکماک تپه	۸۴	۱/۳	۳/۴
- زاگرس:			
کنجی	۳۳۸	۱/۶	۲/۹
گراجنه	۱۲۲	۱/۵	۳/۱
- سواحل مدیترانه:			
تیکالی (Senyurek 1959)	۵۹۹	۲/۳	۴/۰
مردیونلی (Bostanci 1968)	۱۷۷	۲/۱	۳/۹

● جدول ۴ - مجموعه‌های پارینه سنگی جدید زاگرس، توروس و سواحل مدیترانه.

مکان	مجموع تراشه و تیغه	طول/عرض	عرض/اضخامت	تراشه	طول/عرض	عرض/اضخامت	تیغه
- توروس:							
کاراین	۳۷۵	۱/۸	۳/۲	۳/۲	۱/۹	۲/۹	
اکوزاینی	۳۳۷	۱/۵	۳/۱	۳/۱	۱/۸	۲/۷	
کزیل این	۳۰۹	۱/۷	۳/۲	۳/۲	۱/۶	۲/۶	
- زاگرس:							
پاسنگر	۹۴۴	۱/۲	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۸	
یافته	۴۹۵۰	۲/۰	۳/۰	۳/۰	۲/۳	۳/۲	
- سواحل مدیترانه:							
کانال	۱۴۶۸	۲/۵	۴/۳	۴/۳	۲/۷	۳/۸	
مردیونلی	۶۸	۲/۱	۳/۹	۳/۹	۳/۰	۴/۲	
اچاگزیلی	۱۶۶۷	۲/۲	۴/۵	۴/۵	۲/۹	۳/۶	

اواخر پارینه سنگی جدید است کمتر قابل تشخیص اند؟ باید امیدوار بود که در آینده مطالعات بیشتری درباره این مناطق تقریباً ناشناخته و اقلیمهای باستانی آنها انجام شود و این مطالعات بتوانند بافتهای متفاوت لایه نگاری را مورد ارزیابی قرار دهند تا بتوان از این رهگذر، اطلاعات بیشتری درباره ساختار قومی مردمان دوران پارینه سنگی کسب کرد.

حاشیه:

۱- از مجموع ۹۶ نمونه، ۸ عدد سنگ مادر، ۴ قطعه (Fragment) و ۸۴ عدد تراشه و تیغه است.

۲- از مجموع ۱۷۶۶ نمونه، ۲۲ عدد سنگ مادر و ۱۷۴۴ نمونه تیغه و تراشه است (همچنین مراجعه کنید به: Minzoni - Deroche 1998).

۳- از مجموع ۳۰۸ نمونه، ۷۱ عدد سنگ مادر، ۲۵ قطعه، ۲۶ عدد قطعات واژده (waste fragment) و ۱۸۶ عدد تراشه و تیغه است.

۴- از مجموع ۴۰۱ نمونه، ۳ عدد سنگ مادر، ۱ قطعه، ۵۹ عدد قطعات واژده و ۳۳۸ عدد تراشه و تیغه است.

۵- از مجموع ۱۷۱ نمونه بررسی شده ۹ عدد سنگ مادر، ۳۰ عدد قطعات واژده، ۱۳۲ عدد تیغه و تراشه و ۴ عدد قله سنگ روتوش شده است.

۶- گرآرچنه در واقع یک پناهگاه صخره‌ای است و نمی‌توان آنرا غار گفت (مترجم).

۷- برخی از محوطه‌های پارینه سنگی زاگرس در ارتفاعی بالاتر از ۱۲۰۰ متر از سطح دریا واقع‌اند. برای مثال محوطه‌های پارینه سنگی واقع در منطقه کرمانشاه اغلب بین ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دادند (مترجم).

پی نوشت:

- این مقاله ترجمه‌ای است از:

Minzoni - Deroche, A. 1993. "Middle and Upper Paleolithic in the Taurus - Zagros Region." PP. 147 - 158 in *The Paleolithic Prehistory of the Zagros - Taurus*, eds. D.L.Olszewski and H.L.Dibble, The University Museum, University of Pennsylvania.

* از آقای کامیار عبدی که متن این ترجمه را بازنگری کرده و پیشنهادات سازنده‌ای ارائه دادند، بسیار سپاسگزارم.

صورت مقایسه مکانهای زاگرس و توروس با مکانهای سواحل مدیترانه، شباهت بین مناطق زاگرس و توروس چشمگیرتر خواهد بود. برای مثال قطعات قابل تبدیل به ابزار در دو غار مجاور تیکالی و مردیونلی که موقعیت بوم شناختی متفاوتی نسبت به مکانهای توروس دارند، از ویژگیهایی برخوردارند که با ویژگیهای قطعات قابل تبدیل به ابزار در مجموعه‌های توروس متفاوت‌اند. این قطعات بلندتر و نازکترند و ظاهراً تکنیک لوالوا نیز به میزان بیشتری در تولید آنها به کار رفته است. در حال حاضر درباره تغییرات اقلیمی این مناطق بین دوره‌های پارینه سنگی میانی و جدید اطلاعاتی در دست نیست. مشخص کردن وجود ارتباط بین مکانهای مختلف دوره پارینه سنگی جدید نسبت به دوره پیشین آن، بسیار مشکلتر است. علاوه بر این به نظر می‌رسد که در این دوره صنایع و فن آوریهای مربوط به استفاده از منابع سنگ، نسبت به دوره پارینه سنگی میانی بسیار سریعتر تغییر می‌کردند. از این گذشته، در هیچ یک از مکانهای توروس و سواحل مدیترانه، پیوستگی لایه نگاری بین نهشته‌های پارینه سنگی میانی و جدید وجود ندارد. در زاگرس نیز تفاوت‌های منطقه‌ای وجود دارد. برای مثال مجموعه غار یافته بسیار غنی‌تر و متنوع‌تر از مجموعه پاسنگر است. سنگ مادرهای هر می شکل (pyramidal core) در هر دو مکان بسیار فراوانند، اما در مجموعه یافته، شاهد تغییر در قطعات قابل تبدیل به ابزار و همچنین انتخاب آگاهانه این قطعات برای ساخت ابزارهای خاص هستیم. تفاوت عمده بین پارینه سنگی جدید زاگرس و توروس در این است که در توروس اسکانه به ندرت به چشم می‌خورد (البته این وضعیت شامل مکانهای واقع در سواحل مدیترانه‌ای ترکیه که دارای اسکانه‌اند نمی‌شود).

به نظر می‌رسد که تفاوت‌های منطقه‌ای در دوره پارینه سنگی میانی نسبت به دوره بعدی ماهیت متفاوتی دارد. در دوره پارینه سنگی میانی شباهتهای موجود بین مناطق مختلف بیشتر از تفاوت‌های آنهاست، در حالی که در دوره پارینه سنگی جدید این وضعیت برعکس است. یعنی تفاوت‌های بین این مناطق بیشتر از شباهتهای آنهاست. این وضعیت سئوالاتی را پیش می‌کشد: آیا جوامع دوره پارینه سنگی جدید در قیاس با جوامع دوره پیشین ارتباطات محدودتری باهم داشتند؟ یا اینکه مکانهای دوره پارینه سنگی جدید در مقایسه با دوره پیشین نسبت به هم تداخل زمانی کمتری داشته‌اند؟

آیا تغییراتی که در دوره پارینه سنگی جدید روی داد در مقایسه با دوره پیشین چنان سریع بود که برای انجام مقایسه ابتدا باید مطمئن بود که کاملاً باهم هم‌زمان بوده‌اند؟ آیا ویژگیهایی که وجه مشخصه آغاز و انجام دوره پارینه سنگی میانی‌اند نسبت به ویژگیهایی که مشخصه اوایل و

REFERENCES CITED

- Akazawa, T. 1975. Preliminary Notes on the Middle Paleolithic Assemblages from Shanidar Cave. *Sumer* 31:3-10.
- Bostanci, E. 1968. Magaracik çevresinde yapılan 1966 yaz mevsimi kazıları ve yeni buluntular. *Antropoloji* 3: 19-44.
- Copeland, L., and Hours, F. 1971. The Later Upper Paleolithic Material from Anelias Cave, Lebanon. Levels IV-I. *Berytus* 20: 57-117.
- Dibble, H.L. 1984. The Mousterian Industry from Bisitun Cave (Iran). *Paléorient* 10(2): 23-34.
- Hole, F., and Flannery, K. 1967. The Prehistory of Southwestern Iran: A Preliminary Report. *Proceedings of the Prehistoric Society* 33: 151-206.
- Kayan, I.; Minzoni-Deroche, A.; and Yalçinkaya, I. 1987. Prospection préhistorique dans la région d' Antalya. *Eski Anadolu* 1: 9-13.
- Minzoni-Deroche, A. 1987a. Kocapinar, site moustérien d' Anatoile. *Bulletin de la Société Préhistorique Française* 84(9): 272-277.
- 1987b. Les relations entre la Turquie et l'Iran au Paléolithique. *Eski Anadolu* 1: 1-7.
1988. Le Paléolithique moyen du Taurus. *Paléorient* 14(2): 154-158.
1992. Üçagizlı mağara, im site aurignacien dans le Hatay (Ametoile). *Paléorient* 18(1): 89-96.
- Minzoni-Deroche, A., and Yalçinkaya, I. 1985. Réévaluation du matériel des couches supérieures de la grotte de Karain. *Paléorient* 11(1): 29-36.
- Senyürek, M. 1959. A Note on the Paleolithic Industry of the Plugged Cave. *Belleken* 23: 9-44.
- Skinner, J. 1965. *The Flake Industries of South-West Asia*. Ph.D. dissertation, Columbia University, New York.
- Solecki, R.S. 1955. Shanidar Cave, a Paleolithic Site in Northern Iraq. *Smithsonian Institution Annual Report* 1954: 389-425.